

The place of women and family in the bill of the seventh economic and social development program of the Islamic Republic of Iran

Hamed Mohammadi¹

PhD in Sociology, faculty member of the Faculty of Women and Family, University of Religions and Religions, Qom, Iran (Corresponding Author)

Fatemeh Abedi

Doctoral student of Women's Studies, Faculty of Women and Family, University of Religions and Religions, Qom, Iran

Abstract: Five-year development plans determine the path of growth and development of our country in economic, social and cultural aspects. These programs are compiled based on the constitution, the country's 20-year vision document and general policies announced by the Supreme Leader. Due to the important and valuable position of women in society, in all programs, special attention is always paid to women's issues in cultural, social and economic aspects. The 7th Development Plan Bill is not an exception and despite the efforts made in the "Women, Family and Population" chapter of this program to improve socio-economic policies on women, family and population issues, it still suffers from lack of systematic approach in compilation of executive programs. In this research, which has been carried out using the method of categorical content analysis as well as the analysis of previous development plans, an effort was made to identify the programs mentioned in the articles and clauses mentioned in Chapter 16 of the 7th Development Plan Bill. To categorize and identify the main areas of the policy maker, and finally, to measure the alignment of the planned programs. The findings indicate that in the 7th Development Plan bill, although we have positive and better points regarding the dignity of women and the family than the previous development plans, the general evaluation of the proposed provisions in the field of women, family and population youth shows a lack of comprehensiveness in problem analysis and lack of discourse consensus in the field of women and family. In this program, after the content analysis, 19 programs were identified in the field of women, family and population, and in the next step, using the 2-step Delphi method, the sub-categories were categorized. Based on this, 9 of them are non-executive actions (drafting or amending laws, regulations, pathology, etc.), 8 of them are basically goals and ideals, and only 2 of them are programs.

Keywords: 7th development plan, women, family, population, sustainable development, policy making.

¹ Email: H.Mohammadi@urd.ac.ir (Corresponding Author)

جایگاه زن و خانواده در لایحه برنامه هفتم توسعه اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

حامد محمدی^{۱*}، فاطمه عابدی^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

چکیده

برنامه‌های توسعه پنج ساله مسیر رشد و توسعه کشورمان را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشخص می‌کنند. این برنامه‌ها بر اساس قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور و سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری تدوین می‌شوند. به دلیل جایگاه مهم و ارزشمند زنان در جامعه، در تمام برنامه‌ها، همواره تلاش می‌شود توجه ویژه‌ای به به مسائل زنان در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اختصاص صورت پذیرد. لایحه برنامه هفتم توسعه نیز از این قاعده مستثنی نیست و علی‌رغم تلاشی که در فصل "زن، خانواده و جمعیت" برای اعتلای سیاستگذاری‌های اجتماعی-اقتصادی در موضوعات زنان، خانواده و جمعیت شده است اما همچنان از فقدان رویکرد نظام مند و سیستمی در تدوین برنامه‌های اجرایی رنج می‌برد. در این پژوهش که با استفاده از روش تحلیل محتوای مقوله‌ای و همچنین واکاوی برنامه‌های توسعه قبلی به انجام رسیده است، تلاش گردید تا پس از شناسایی و احصاء برنامه‌ها ذکر شده در مواد و بندهای مطرح شده در فصل ۱۶ لایحه برنامه هفتم توسعه، نسبت به مقوله بندی و شناسایی حیطه‌های اصلی سیاستگذار اقدام شود و در نهایت نسبت به میزان همسویی برنامه‌های پیش بینی شده اقدام گردید. یافته‌ها حاکی از آن است که در لایحه برنامه هفتم توسعه، اگرچه در مورد جایگاه زن و خانواده نکات مثبت و بهتری را نسبت به برنامه‌های توسعه قبلی داریم ولی همچنان ارزیابی کلی احکام پیشنهادی در حوزه زنان، خانواده و جوانی جمعیت نشان از فقدان جامعیت در مسئله شناسی و فقدان اجماع گفتمانی در حوزه زنان و خانواده دارد. در برنامه مذکور پس از تحلیلی محتوای صورت گرفته، ۱۹ برنامه در حوزه زن، خانواده و جمعیت شناسایی شد و در گام بعد و با استفاده از روش دلفی ۲ مرحله‌ای نسبت به مقوله بندی ریز مقوله‌ها اقدام شد. بر این اساس ۹ مورد آن‌ها از جنس اقدامات غیر اجرایی (تدوین یا اصلاح قانون، تدوین آیین نامه، آسیب شناسی و...)، ۸ مورد آن اساساً از جنس هدف و آرمان می‌باشد و تنها ۲ مورد آن از جنس برنامه هستند.

واژگان کلیدی: برنامه هفتم توسعه، زن، خانواده، جمعیت، توسعه پایدار، سیاستگذاری.

^۱ دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیات علمی دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول).

(E mail: Saidi@iscs.ac.ir)

^۲ دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

۱. مقدمه و بیان مساله

خانواده از برنامه‌های توسعه متأثر می‌شود، اگر مداخلات حاکمیت را در امورات مرتبط با خانواده قاعده مند نشود برای خانواده مشکلاتی در مقیاس کلان به وجود می‌آید. در اکثر کشورهای دنیا از زمانی که سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی آغاز شده، این برنامه‌ها نسبتی را با خانواده برقرار کرده است. (نوابخش و همکاران، ۱۴۰۲) در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همواره تلاش شده است تا به نوعی به موضوع خانواده پرداخته شود. (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱) استفاده از واژه توسعه بسیار گسترش یافته است و احتمالاً حتی به گوش بسیاری از شهروندان عادی هم رسیده و یا حتی از آن استفاده هم می‌کنند. در فرهنگ آکسفورد توسعه به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است. (آکسفورد، ۲۰۰۱) از منظر متخصصان اجتماعی، توسعه مفهومی چند بعدی است که علاوه بر بهبود وضعیت اقتصادی، مفاهیمی همچون کاهش نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، بهبود وضعیت ارتباطات اجتماعی، توسعه عدالت همه جانبه، پایدار سازی و بهبود محیط زیستی، ارتقاء سلامت اجتماعی، بهداشت، تحصیلات، اشتغال، افزایش مشارکت مردم در امور اجتماعی - سیاسی و... را در بر می‌گیرد. با این توضیح باید بر این مهم تأکید داشت که توسعه یک فرایند است و شاید نتوان پایانی را برای آن متصور شد. به دیگر سخن می‌توان گفت توسعه فرایندی است که طی آن کیفیت زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی در زمان حال و آینده، پیوسته بهبود و تعالی می‌یابد.

علیرغم تغییرات قابل توجه در مناطق مختلف جهان و در طول زمان، یکی از وجوه مشترک توسعه این بوده است که فاز اولیه، از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵، احتمالاً به نابرابری فزاینده بین مردان و زنان در فرصت‌ها و رفاه منجر شده است. دهه‌های اول برنامه‌ریزی و ارتقای توسعه عمدتاً زنان را کنار گذاشت، تا حدی به دلیل روابط نابرابر جنسیتی^۱ در بسیاری از جوامع با شروع توسعه: تجارت برده، بی‌تفاوتی استعماری نسبت به حقوق زنان، و فعالیت‌های تبلیغی ممکن است وضعیت زنان را بدتر کرده باشد. (کوانه، ۲۰۲۰) یکی از هدف‌ها توسعه پایدار که در دستور کار ۲۰۳۰ ملل متحد برای توسعه پایدار آغاز شده، برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و ۱ دختران است (سازمان ملل، ۲۰۱۸: ۶۶؛ به نقل از کرامت و همکاران، ۱۴۰۱).

امروزه در اسناد ملی و بین‌المللی مربوط به زنان و کتاب‌ها و مقالات متعدد، از شاخص‌هایی برای بهبود وضعیت زنان سخن به میان آمده است (علاسوند، ۱۴۰۲). برای تحقق توسعه پایدار^۲ حضور و نقش فعال زنان در حوزه سیاسی و اقتصادی بسیار با اهمیت است. توسعه پایدار یک اجتماع حاصل مشارکت همه اقشار، خصوصاً زنان می‌باشد و این مشارکت نیز در گروهی توجه به نیازها، اقتضانات و مسائل آنان و یافتن راه‌هایی برای حل آنهاست. (حیدری، ۱۳۹۷) به وجود آوردن رابطه اساسی توسعه اجتماعی با عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه امکانات، از مزایای توسعه به شمار می‌رود. (رنجکش و مرادی، ۱۴۰۲) برای نیل به این مهم کشورهای مختلف برنامه‌ریزی‌های مختلفی در مقاطع زمانی متفاوت به انجام رسانده‌اند. در واقع به دلیل عمر کوتاه‌تر و گستره کمتر حضور زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، ممکن است برخی عرف‌ها، هنجارها و قوانین متناسب با شرایط جدید پیش آمده و مبتنی به گسترش مشارکت اجتماعی زنان نباشد. از دیگر سو همین افزایش فعالیت‌های اجتماعی زنان، خانواده را در مواجهه با شرایط و الزامات جدیدی قرار داده است که نیازمند توجه بیش از پیش سیاست‌گذاران اجتماعی است. این مهم محدود به ایران نبوده و هر کدام از کشورهای جهان بسته به زمان و گستره تغییرات اجتماعی با آن مواجه شده‌اند و تلاش نموده‌اند تا با طراحی برنامه‌ها و مداخلات اجتماعی اثرات منفی آن را کاهش و پیامدهای مثبت آن را افزایش دهند. به گونه‌ای که از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد مسایل مربوط به مشارکت زنان در فرایندهای مربوط به توسعه، آرام آرام در دستور کار سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفت. به گونه‌ای که سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ توسط سازمان ملل به "دهه زنان" نام گذاری شد. در این دهه تلاش شد تا نقش و جایگاه زنان در توسعه تبیین

¹ Gender inequality

² Sustainable Development

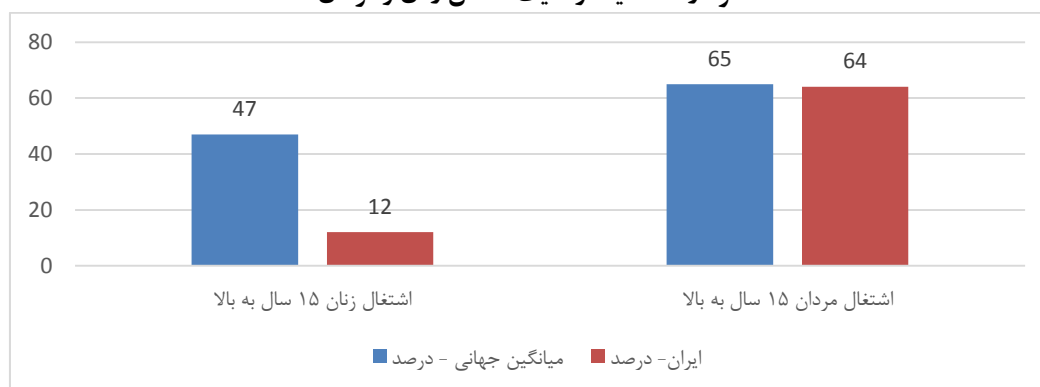
شود. افزایش ظرفیت زنان می‌تواند فعالیت‌های مولد اجتماعی-اقتصادی و نیز قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در نهادهای اجتماعی تشویق کند. در همین دهه شرایط مادی زنان در جهان به سمت بهتر شدن تغییر یافت. مطالعه اسناد سازمان ملل درباره زنان نشان می‌دهد این نهاد چند دهه است که از مرحله معاهده نویسی خارج شده و به اسناد اقدام محور روی آورده است (علاسوند، ۱۴۰۲).

در جمهوری اسلامی ایران هم تا کنون شش برنامه توسعه، که سند بالادستی محسوب شده و مسیر حرکت سه قوه قضاییه، مجریه و مقننه را در بازه زمانی پنج ساله ترسیم می‌کند، در ابعاد و محورهای مختلف تصویب و اجرا شده است. اکنون و در زمان نگارش مقاله حاضر، لایحه برنامه هفتم توسعه اجتماعی-اقتصادی در ۲۴ فصل و ۱۱۸ ماده تدوین و در آستانه ابلاغ است. با عنایت به اهمیت موضوع زنان و خانواده، و جایگاه برنامه هفتم توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور در تقسیم کار بین بخش‌های میان سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف اجرایی، پژوهش حاضر در پی بررسی و واکاوی جایگاه زنان و خانواده در برنامه مذکور است.

۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

گنجاندن زنان در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها به خودی خود، یک خیر دموکراتی محسوب می‌شود (فرح زاده و علی حسینی، ۱۴۰۲). در گزارش سال ۲۰۲۱ بانک جهانی از مجموع جمعیت بالای ۱۵ سال ایران حدود ۳۷٪ شاغلند و ایران رتبه ۱۷۴ را در بین ۱۸۵ کشور مورد ارزیابی دارد. اما نکته مهم و قابل توجه این گزارش زمانی است که آمار را به تفکیک جنسی بررسی می‌کنیم. بر این اساس جمعیت مردان شاغل بالای ۱۵ سال ایرانی ۶۴ درصد (تقریباً معادل میانگین جهانی) و جمعیت زنان شاغل بالای ۱۵ سال ایرانی حدود ۱۲ درصد است در حالی که میانگین آمار اشتغال زنان در جهان حدود ۴۷ درصد است.

نمودار ۱- مقایسه وضعیت اشتغال زنان و مردان



برگرفته از گزارش سال ۲۰۲۱ بانک جهانی

بر اساس جدول فوق شکاف میان اشتغال زنان و مردان بسیار حایز اهمیت است و به دیگر سخن احتمالاً شرایط اجتماعی-فرهنگی و قانونی مورد نیاز برای اشتغال زنان نیازمند توجه بیشتری است.

با کنار هم قرار دادن داده‌های آماری دیگر از جمله:

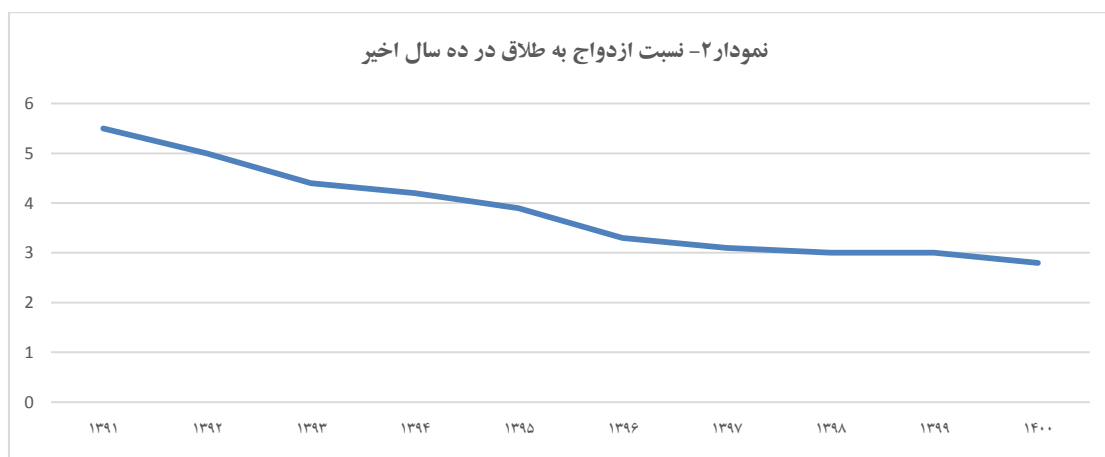
الف- نسبت پذیرفته شدگان کنکور در سال ۱۴۰۲ (طبق اعلام وزارت علوم ۶۱ درصد پذیرفته شدگان را دختران و زنان تشکیل داده اند) و این مهم که، طی چند دهه اخیر، تعداد زنان تحصیلکرده در مقاطع تحصیلات تکمیلی و به ویژه در رشته‌های علوم انسانی مرتبط با حوزه سیاست و مدیریت دولتی و سیاسی، رشد قابل توجهی داشته است (واعظی و حسینی، ۱۴۰۲). بر این اساس باید تاکید داشت که اولاً از نیاز کشور به ایجاد زیرساخت‌های لازم برای جذب زنان و دختران فارغ التحصیل دانشگاهی در آینده نزدیک خبر می‌دهد. ثانیاً از نیاز به تغییرات احتمالی در الگوهای فرهنگی همسرگزینی در

آینده نزدیک خبر می‌دهد. ثالثاً از نیاز به بازنگری در سیاست‌ها و ارئه مشوق‌ها و تمهیدات لازم به منظور فرزندآوری حکایت می‌کند. و...

ب- کاهش محسوس نسبت ازدواج به طلاق در کنار کاهش نرخ موالید، هشدار بروز چالش‌های جدی جمعیتی در ده‌های پیش رو به صدا در آورده است.

جدول ۱- نسبت ازدواج به طلاق در فاصله ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰

سال	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
نسبت ازدواج به طلاق	۵,۵	۵	۴,۴	۴,۲	۳,۹	۳,۳	۳,۱	۳	۳	۲,۸



تغییرات جمعیتی می‌تواند تأثیر عمیق و مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد (حسن زاده و همکاران، ۱۴۰۰). رشد جمعیت یکی از مولفه‌های اثرگذار بر فرآیند توسعه کشور می‌باشد که خود به عنوان یک عامل مستقل، بر رشد اقتصادی کشور، تامین نیروی انسانی مورد نیاز، حفظ محیط زیست، افزایش سطح بهداشت و سطح سلامت کشور اثر می‌گذارد. براساس گزارش بانک جهانی سال ۲۰۱۹، در طول نیم قرن گذشته، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بالاترین نرخ رشد جمعیت را نسبت به سایر مناطق در سراسر جهان کرده‌اند. (حسن زاده و همکاران، ۱۴۰۰). در این بین، همان‌گونه که جوانی جمعیت می‌تواند کشور را به سمت توسعه در تمام ابعاد کمک کند بر خلاف آن پیری جمعیت می‌تواند کشور را چه از لحاظ امنیتی و چه از لحاظ اقتصادی با خطرات زیادی مواجه کند. ایران اگرچه به عنوان کشوری جوان شناخته می‌شود ولی طبق آمار، کاهش وحشتناک رشد جمعیت در سال‌های اخیر حاکی از این مسئله است که در آینده نه چندان دور مبتلا به پیری جمعیت خواهد شد و از تعداد جمعیت جوان کاسته خواهد شد. از این رو برنامه‌ریزی مناسب و مدیریت جمعیت برای حفظ سرمایه انسانی جوان از ضروریات به نظر می‌رسد. نهاد خانواده در کشور ما مولفه‌ای اساسی برای تنظیم و موازنه جمعیت و توسعه است. خانواده به عنوان قدیمی‌ترین واحد اجتماعی، رکن بنیادین جامعه بشری است و زنان سازنده در خانواده، باعث پویایی و سلامت جامعه و همچنین پایداری خانواده می‌شوند.

زنان به عنوان اعضای جامعه باید به سهم خود در عرصه‌های مختلف از جمله سیاست، مشارکت باشند (واعظی و حسینی، ۱۴۰۲). اما بررسی‌ها نشان می‌دهد تلاش‌های زنان در فرایند توسعه کمتر دیده شده است. به عنوان نمونه امروزه یکی از مهمترین سازوکارهای سنجش میزان توسعه یافتگی کشورها، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. زیرا برای تحقق توسعه اجتماعی، تسریع فرایند توسعه اقتصادی، حفظ محیط زیست و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنانچه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه پایدار و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه

خواهد داشت. نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این رو در تحول همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌گردد. نقش زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال جهان در فرایند توسعه آنگونه که شاید و باید مورد توجه قرارنگرفته است و از این رو تلاشهایی در سراسر دنیا آغاز شده تا این غفلت را جبران کند. وارد کردن مسئله جنسیت در فرایند توسعه اصول مختلفی چون رفاه، برابری، فقرزدایی، کارایی و توانمندسازی زنان را مطرح کرده است. (محمدی دوست، ۱۳۹۵)

از این رو واکاوی و اظهارنظر درباره مفاد این فصل، می‌تواند باعث غنای بیشتر شده و در نهایت منجر به پیشرفت و توسعه کشور شود. با این هدف، مقاله حاضر به واکاوی الزامات اجتماعی تعالی و تحکیم نقش زن و خانواده در قانون برنامه هفتم توسعه می‌پردازد. بی‌شک این برنامه‌ها میزانی هستند برای ارزیابی این سه قوه و سازمان‌ها و نهادهای وابسته به آن‌ها که تا چه اندازه به سوی چشم‌اندازها و اهداف نظام حرکت می‌کنند و آیا در مسیر درست در حال حرکت‌اند و در نهایت، میزان پایداری آن‌ها به سیاست‌های نظام را مشخص می‌کنند.

۳. پیشینه پژوهش

- نرگس سرحدی و کاظم سرحدی (۱۳۹۵) در پژوهشی کتابخانه‌ای با عنوان "جایگاه زن و خانواده در لایحه برنامه ششم توسعه" نشان دادند که طرح برنامه ششم توسعه کشور با دو اشکال جدی روبه‌رو است. اولاً در ماده ۳۱ که مشخصاً به بحث زن و خانواده می‌پردازد، کلیدواژه عدالت جنسیتی مطرح شده است که توضیحی در مورد آن داده نشده است و دارای ابهام است و مراد از این واژه روشن و شفاف نیست. دوماً مساله جمعیت که یک رکن اساسی در توسعه کشور در تمام ابعاد است، مورد غفلت واقع شده است و برنامه‌ای برای آن ارائه داده نشده است. در این پژوهش به منظور داشتن سیر مطلب درست، پژوهشگران ابتدا سیاست‌های کلی برنامه ششم را بررسی کرده‌اند سپس به واکاوی بندهای مربوطه در لایحه پیشنهادی پرداخته‌اند.
- سمواتی، سطوتی و زرننگ (۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان "تحلیلی بر جایگاه زن و خانواده در برنامه‌های توسعه‌ای در اسناد فرادستی نظام" با استفاده از روش اسنادی در گردآوری اطلاعات انجام دادند که هدف آن ارائه تحلیلی منصفانه از وضعیت و جایگاه زن در قانون اساسی و دیگر اسناد فرادستی نظام است. در این مقاله عواملی چون سیاست‌گذاری‌ها، قانونگذاری‌ها و پدیده جهانی شدن که باعث تغییر نقش و جایگاه زنان و تغییر وضعیت خانواده در کشورمان شده‌اند، بررسی می‌شوند. این مقاله در نهایت به این نتیجه می‌رسد که قانون اساسی و اسناد فرادستی نظام با اتخاذ رویکرد اعتدالگرا به جایگاه زن و خانواده دچار ضعف و یا خلاء خاصی نیستند؛ به عبارت دیگر، مسائل و آسیب‌های ایجاد شده در حوزه زن و خانواده به علت اتخاذ رویکرد اعتدالگرا نیست، بلکه به علت ضعف در برنامه ریزی‌هایی است که نتوانسته است سیاست‌های کلی و قانون اساسی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ را از طریق برنامه‌های راهبردی و برنامه‌های عملیاتی محقق سازد.
- افراخته و سرایی (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان "جایگاه زنان در برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران" انجام دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در برنامه‌های پیشین توسعه کشور، به مشکلات و نیازهای بانوان توجه کافی نشده است و این در حالی است که نقش زنان در روند توسعه جوامع بسیار مهم و انکارناپذیر است. این پژوهشگران با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا جایگاه زنان در برنامه توسعه چهارم و پنجم کشور را بررسی کرده‌اند. جایگاه زنان با استفاده از شش مؤلفه مشتمل بر متغیرهای متفاوتی ارزیابی و با استفاده از تکنیک آنتروپی شانون وزن شاخص‌ها محاسبه شده است. در نتیجه این پژوهش نشان داد که در برنامه‌های توسعه کشور به جایگاه زنان و به ویژه زنان روستایی توجه کافی نشده است که می‌تواند ناشی از دیدگاه محدود برنامه‌ریزان بوده یا ریشه در نظام نهادی و باورهای اجتماعی داشته باشد که لازم است به تدریج مورد بازبینی قرار گیرند.

- زعفرانچی (۱۳۸۵) در پژوهش خود تحت عنوان "زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه" به بررسی اجمالی و نقد و بررسی برنامه اول تا چهارم توسعه می‌پردازد و میزان توجه سیاستگذاران نظام را به جایگاه زنان و خانواده در جامعه بررسی می‌نماید. از نظر او خانواده می‌تواند به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر روند توسعه اثرگذار باشد. زعفرانچی در ادامه به مقایسه موضوع زنان در برنامه‌های توسعه پیش از انقلاب و پس از انقلاب می‌پردازد. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که افزایش سطح سواد زنان، ارتقای بهداشت و سلامت زنان و برنامه‌های اوقات فراغت و ورزشی، از جمله مواد مطرح شده در برنامه‌های اول و دوم بوده است. در برنامه سوم به مشارکت‌های فرهنگی و اجتماعی زنان پرداخته شده است و در برنامه چهارم علی‌رغم پرداختن به مسائل زنان، مباحثی هم هست که مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. وی در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده کرده و در راستای اصلاح و تعدیل رویکرد مسئولین کشور نسبت به مسائل و مشکلات زنان و نهاد خانواده با توجه به ظرفیت و استعداد زنان، پیشنهادهای ارائه می‌نماید.
- ساروخانی (۱۳۸۴) در پژوهش خود تحت عنوان "زن، قدرت و خانواده، پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده" به شناسایی قدرت و ساز و کارهای آن، بحث از قدرت در اندیشه‌های اساسی، شناسایی مدل‌های کاربردی در حوزه زن، قدرت و خانواده و بررسی نتایج پژوهش انجام شده در باب هرم قدرت و خانواده و جایگاه زن در آن، می‌پردازد. روش این پژوهش اسنادی و فراتحلیل است. از نظر پژوهشگر تصمیم‌گیری در خانواده امری مشارکتی و کاربردی است و باید از مردیت استعلایی و همین‌طور از مرد-زن یکسانی اجتناب شود.
- آلیسینا و گلیلیانو^۱ (۲۰۰۷) محققانی از دانشگاه هاروارد در مقاله خود تحت عنوان "قدرت خانواده" به بررسی تاثیر ساختار روابط خانوادگی بر رفتار و نگرش اقتصادی پرداخته‌اند. آن‌ها در تحقیق خود از طریق نظرسنجی در بیش از ۷۰ کشور، معیارهای خود را از پیوندهای خانوادگی و نقشی که فرزندان در رابطه با خانواده، عشق و احترام دارند، تعریف کرده‌اند. آن‌ها در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که پیوندهای قوی خانوادگی مستلزم اتکای بیشتر به خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی است. خانواده‌های با پیوندهای خانوادگی قوی، دارای باروری بیشتر و تعداد اعضای بیشتری هستند که با ایده خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی مهم سازگار است. نتایج آن‌ها در تحقیق حاضر، به طور کلی حاکی از تأثیر معنادار استحکام پیوندهای خانوادگی بر نتایج اقتصادی است.
- موجددر (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان نقش زنان در توسعه جامعه به اهمیت نقش‌های زنان در جامعه، عوامل مؤثر بر مشارکت زنان، سبک‌های نقش‌های اجتماعی و نقش‌های زنان در محیط‌های کاری می‌پردازد. وی در مقاله خود با بیان اهمیت نقش زنان و مهارت‌ها و توانمندی‌هایشان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی، آن‌ها را قادر به مشارکت مؤثر در جامعه می‌داند. او معتقد است که زنان باید آگاهی خود را در مورد عوامل مؤثر و همچنین مهارت‌ها و توانایی‌ها افزایش دهند. چراکه آگاهی از این عوامل به آنها اجازه می‌دهد تا بر موانعی که ممکن است در حین اجرای نقش‌ها پیش بیاید، غلبه کنند. و همچنین برای در بر گرفتن نقش‌ها و پست‌های مختلف در جامعه، باید اطمینان حاصل کنند که سلامت خانواده و اجتماعشان به طور مؤثر ارتقا می‌یابد.

۴- مبانی نظری پژوهش

صاحب‌نظران نظریه‌نوسازی، عامل اصلی بروز رفتار توسعه‌گرا و یا ضد توسعه را عوامل درونی از جمله ارزش‌ها و انگیزه‌های انسان‌ها، می‌داند. مطابق با این نظریه مهمترین نیروی محرکه برای نیل به توسعه، انگیزه بشر به پیشرفت دانسته می‌شود. کسب رضایت درونی افراد، نیروی محرکه اصلی به منظور انجام کار قلمداد می‌شود و نه پول، پایگاه اجتماعی و... این انگیزه به پیشرفت،

^۱ Alisina and Guiliano

می‌تواند در فرایند جامعه‌پذیری در افراد نهادینه گردد. در این نظریه زنان برای مشارکت بیشتر در فرایندهای توسعه، نیازمند تقویت عوامل درونی از جمله انگیزه و میل به موفقیت هستند. از منظر نگاه نقادانه جامعه‌شناسی جنسیت، پدرسالاری مسلط در جوامع در حال توسعه از جمله مواردی است که از چشم برابر بین نظریه پردازان این گروه پنهان مانده است. حال آن که پدرسالاری مانعی مهم در سر راه نوسازی است که به اشکال گوناگون پتانسیل و استعداد های زنان را نادیده انگاشته و به هدر می‌دهد.

سارا لانگه^۱ با اتخاذ رویکرد توانمندسازی، ضمن تاکید بر ایده محوریت برابری جنسیتی در هرگونه برنامه توسعه‌ای، این نقد را بر اکثر نظریه‌های توسعه وارد می‌سازد که آنها برابری را با توجه به تقسیم‌بندی‌های رایج از بخش‌های مختلف اقتصاد و جامعه همچون تحصیلات، استخدام، موازین قانونی و امثال این‌ها تعریف می‌کنند. از نظر لانگه، این شیوه تحلیلی با تمرکز بیش‌ازحد بر شاخص‌های مختلفی که بعضاً معرف جنبه‌های محدودی از کل حیات اجتماعی هستند، نگاه‌ها را از نقش مهم برابری بیشتر زنان و مردان در پیشبرد فرآیند توسعه باز می‌دارد. بر همین اساس، او یک مدل مفهومی پنج مرحله‌ای مطرح می‌کند که می‌تواند مبنایی برای سنجش توانمندی زنان باشد. پنج مرحله این مدل عبارتند از: الف) رفاه: در این مرحله به رفاه مادی و اولیه و کمبودهایی که در این زمینه وجود دارد توجه می‌شود؛ ب) دسترسی: در این مرحله، مساله نابرابری در دسترسی به منابع مطرح می‌شود؛ ج) آگاهی: مرحله‌ای است که زنان به مسائل و به دلایل بروز آنها حساس و آگاه می‌شوند؛ د) مشارکت: مرحله‌ای است که زمینه حضور فعال برای زنان فراهم شده و آمادگی برای مشارکت داوطلبانه و مشارکت در تصمیم‌گیری وجود دارد؛ ه) کنترل: در این مرحله، زنان قدرت تصمیم‌گیری می‌یابند و بهترین راه‌حل را پیشنهاد می‌کنند و بر اجرای آن تسلط پیدا می‌کنند. توانمندسازی اقتصادی زنان به عنوان روشی برای مستقل کردن زنان از لحاظ اقتصادی شناخته می‌شود. (کلهر و محمدیان، ۱۴۰۱)

طرفداران نظریه زنانه شدن فقر بر این اعتقادند، که از یک سو خانواده‌های زن سرپرست در کشورهای جهان در حال افزایشند، و از دیگر سو بیس از پیش در شمار خانواده‌های کم درآمد قرار می‌گیرند. این مهم حتی در کشورهایی توسعه یافته که مدعی برخورداری از پیشروترین قوانین در حوزه زنان هستند نیز وجود دارد. در این کشورها، به رغم کمک‌های دولتی به این زنان، فرآیند فقیر شدن همچنان ادامه دارد. خانواده‌های زن سرپرست معمولاً از مشاغلی با منزلت و پایگاه اجتماعی پایین‌تری برخوردارند. به عبارت دیگر زنان سرپرست خانوار یا اغلب بیکارند یا دارای مشاغل حاشیه‌ای، نیمه وقت، غیر رسمی و کم درآمد هستند. این نوع مشاغل باعث عدم داشتن بیمه اجتماعی می‌شوند که ترس از آینده را برای این زنان در پی خواهند داشت. مشکل دیگر زنان سرپرست خانوار با آن مواجه‌اند فقر زمانی است که ناشی از بروز ناهماهنگی و مشکل در زمانبندی و مدیریت امور منزل و کار بیرون از خانه است. هنگامی که فقر زمانی با فقر مادی همراه شود این گروه را آسیب پذیرتر می‌کند.

مطابق با رویکرد نظریه پردازان رفاه، برنامه‌های رفاهی باید در ابتدا گروه‌های آسیب پذیر را هدف خود قرار داده و کمک‌های اقتصادی مادی توسط سازمان‌های خصوصی بین‌المللی و با کمک از زنان طبقه متوسط به صورت داوطلبانه و یا با اخذ دستمزد به زنان کم درآمد اعطا می‌شده است. این نظریه قدیمی‌ترین و هنوز هم متداولترین چارچوب نظری در کشورهای جهان است و بر مبنای ۳ پیش فرض بنا شده است:

- زنان عوامل دریافت کننده بدون مشارکت فعالانه در فرایند توسعه فقط گیرنده کمک به حساب می‌آیند.
- نقش مادرانه زن از مهمترین نقش‌های اجتماعی اوست.
- به دنیا آوردن بچه و بزرگ کردن او موثرترین نقش زنان در همه اشکال توسعه است.

نیو کلاسیک‌ها با عمده‌سازی و اهمیت بخشیدن به رشد اقتصادی، آن را به شرط کاهش دست کمی نقش دولت، تضمین رقابت آزاد بخش خصوصی، موجب افزایش فرصت‌های شغلی و نیز رفع تدریجی تبعیض آموزشی و برخورداری از امکانات

^۱ S.Lange

رفاهی دانسته و بر نقش توسعه در کاهش نابرابری جنسیتی تاکید دارد. در شرایط رشد اقتصادی، تقاضا برای به کارگیری نیروی متخصص افزایش یافته و فراتر از تبعیض‌های موجود، تخصص و مهارت، مزیت مطلق می‌یابد. بطوری که اگر دسترسی به آموزش و کسب مهارت برای همه افراد متقاضی میسر باشد، در درازمدت نابرابری کاهش می‌یابد. حال آنکه پیش شرط این نظریه، یعنی رقابت کامل حتی در کشورهای توسعه یافته نیز به طور کامل محقق نمی‌گردد، چه رسد به کشورهای کمتر توسعه یافته که با مشکلاتی چون ازدیاد و افزایش جمعیت و نیز نیروی کار، آمار بالای بیکاری، محدودیتهای امکانات اقتصادی و ظرفیت ایجاد شغل و اولویت مردان در سیاستگذاری‌ها و انتخاب‌ها، قوم‌گرایی، خویشاوند گرایی، فقدان شایسته‌سالاری و از این قبیل دست به گریبانند و این همه بر فقدان رقابت کامل تأثیر گذار است.

این نظریه این مساله را مطرح می‌کند که زنان کمتر از مردان خرد به دست می‌آورند، چون سطح سرمایه‌ی انسانی آنها پایین است و قابلیت تولید آن‌ها ناچیز. مراد از سرمایه انسانی اساساً آموزش، آموزش حرفه‌ای و تجارب شغلی است. چون بعضی از زنان کار خود را به خاطر ازدواج ترک می‌کنند و یا به خاطر تولد فرزندان و تربیت آن‌ها دست از کار می‌کشند، کارفرمایان کمتر برای آنها حاضر به سرمایه‌گذاری هستند. هرگاه هزینه‌ی کارگزن زیاد باشد، این امر سبب ترجیح کارگر مرد می‌شود و این خصوصیت در مورد جهان سوم صادق است.

نظریه ساخت‌گرایی پردازان معتقدند، ساخت اجتماعی هر جامعه با مشارکت اجتماعی مردم تشکیل می‌شود. به دیگر سخن روابط نهادینه شده در جامعه تعیین‌کننده میزان مشارکت افراد در فرایند مختلف اجتماعی است. همچنین مشارکت اجتماعی توده مردم، ساخت جامعه را بازتولید می‌نماید و بقاء آن را تضمین می‌کند. برای بالا بردن مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه باید تغییرات اساسی در ساخت‌های گوناگون جامعه ایجاد شود. (ر.ک. صادقی فسایی، ۱۳۹۵)

۵- روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای مقوله‌ای انجام شد. بر این اساس با عنایت به اینکه جامعه آماری پژوهش حاضر متن لایحه برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران است، نسبت به بررسی دقیق متن مذکور و احصاء مواد و بندهایی که واژه زن و خانواده در آن استفاده شده بود اقدام شد. بر این اساس مواد ۲۹، ۷۹، ۸۰، ۸۱ و ۸۶ به عنوان موادی که در آن تکالیفی در خصوص زن، خانواده و جمعیت آمده است شناسایی و احصاء شد. در ادامه و پس از بازخوانی چند باره مواد و بندهای استخراج شده، ریز مقوله‌های مستتر در آن‌ها شناسایی گردید، قابل ذکر است در برخی مواد به تکالیف متعددی اشاره شده است. در گام بعد و پس از انجام مقوله بندی اولیه توسط پژوهشگر، با استفاده از روش دلفی دو مرحله‌ای که در آن ۵ نفر از متخصصان جامعه شناسی (۲ نفر)، مدیریت (۲ نفر) و مطالعات زنان (۱ نفر) مشارکت داشتند نسبت به اصلاح و مقوله بندی دقیق ریز مقوله‌های احصاء شده اقدام گردید. در نهایت با توجه به فراوانی نسبی ریز مقوله‌های شناسایی شده ذیل مقوله‌های اصلی، سهم هر یک از مقولات اصلی از کل مقوله‌ها محاسبه گردید و در نهایت امر پژوهشگران نسبت به ارایه تحلیل نهایی در خصوص مقولات نمودند.

۶- یافته‌های پژوهش

در لایحه برنامه هفتم توسعه، در ماده ۲۹ و همچنین در فصل ۱۶ با عنوان زن، خانواده و جمعیت، اشارات صریحی به موضوع زن و خانواده مشاهده می‌شود. در ماده ۲۹ به مقوله بازنشستگی پرداخته و در فصل شانزدهم موضوعات تحکیم نهاد خانواده و رفع موانع رشد و شکوفایی بانوان، راستای افزایش نرخ باروری و حمایت همه جانبه از فرزندآوری و رفع موانع و ایجاد مشوق‌های مؤثر و اصلاح فرهنگی و همچنین ترغیب به ازدواج، ارتقای توانمندی‌ها و مهارت‌های شغلی زنان و نرخ باروری را مطرح کرده است. در ادامه، مواد و اقدامات مورد تاکید (ریز مقوله‌ها) در برنامه هفتم توسعه به صورت جدول ارائه شده است.

جدول ۲- ریزمقوله‌های مورد تاکید در لایحه برنامه هفتم توسعه در حوزه زن و خانواده

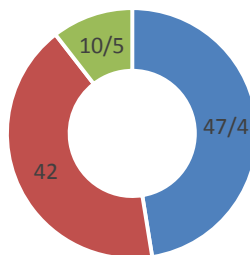
ماده	بند / متن حکم	اقدامات مورد تاکید (ریز مقوله‌ها)
۲۹	خ - تمامی بیمه پردازانی که طبق قوانین و مقررات فعلی واجد شرایط بازنشستگی هستند و سن آنها برای زنان کمتر از پنجاه و سه سال و برای مردان کمتر از پنجاه و شش سال است؛ در طول برنامه، هر سال به میزان چهارماه به سنوات اشتغال آنها برای بازنشستگی تا تحقق شرایط سنی مذکور، اضافه می‌شود. صندوق‌هایی که شرط سنی بازنشستگی مشمولان آنها بالاتر از ارقام فوق الذکر است از مفاد این بند مستثنی هستند.	سن بازنشستگی زنان
	ذ- حداقل سن الزم برای بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور برای زنان چهل و پنج سال و برای مردان پنجاه سال است.	سن بازنشستگی در مشاغل زیان آور
۷۹	آموزش الگوهای صحیح همسرگزینی و ترغیب ازدواج بهنگام، آسان و پایدار	آموزش همسر گزینی ترغیب به ازدواج
	ارتقای توانمندی‌ها و مهارت‌های شغلی زنان	ارتقای توانمندی مهارت شغلی
	نرخ باروری	نرخ باروری (افزایش)
۸۰	الف- معاونت امور زنان و خانواده رئیس جمهور موظف است با همکاری معاونت حقوقی رئیس جمهور، نسبت به بررسی و آسیب شناسی قوانین و مقررات مرتبط با حمایت از خانواده و مشاوره خانواده که مغایر با سیاست‌های کلی خانواده می‌باشند، اقدام نماید و پیشنهاد اصلاح قوانین و مقررات تا پایان سال اول برنامه جهت طی مراحل قانونی به مراجع ذیصلاح ارائه نماید.	شناسایی قوانین پیشنهاد اصلاح قوانین
	ب- معاونت امور زنان و خانواده رئیس جمهور موظف است با همکاری مرکز آمار ایران و سایر دستگاه‌های دارنده اقلام آماری مرتبط نسبت به سنجش وضعیت زن و خانواده و رصد و تحلیل شناختی و روندنگاری و ارائه گزارش‌های ادواری این حوزه به تفکیک شهری، روستایی و عشایری در بستر درگاه هوشمند تبادل اطلاعات اقدام نماید.	سنجش وضعیت زن و خانواده روند نگاری
	پ- وزارت کشور مکلف است طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را با همکاری معاونت امور زنان و خانواده رئیس جمهور و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ برنامه تهیه و به تصویب شورای اجتماعی کشور برساند	تدوین طرح توانمند سازی جامع زنان سرپرست خانوار
	ت- وزارت کشور موظف است نسبت به تکمیل و اصلاح برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق با هدف افزایش پایداری نهاد خانواده و پیشگیری از گسست آن با همکاری معاونت امور زنان و خانواده رئیس جمهور و دستگاه‌های ذیربط ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ برنامه اقدام نماید.	اصلاح برنامه کنترل و کاهش طلاق
	ث- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی کشور و معاونت امور زنان و خانواده رئیس جمهور نسبت به تهیه مقررات و سازوکارهای اجرایی برنامه اشتغال بانوان با رعایت نقش زن در خانواده با تعیین وظایف و کارکردهای هر یک از دستگاه‌های اجرایی، ظرف مدت یک سال پس از ابلاغ برنامه، جهت تصویب در هیأت وزیران اقدام نماید.	تدوین مقررات برای اشتغال زنان
	الف- وزارت آموزش و پرورش (سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک) موظف است دستورالعمل تشکیل، اداره و نظارت بر مهد کودک‌های خانگی (مهدهای مادر - کودک) را با رعایت ماهیت غیردولتی آنها، تهیه و ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ برنامه به تصویب هیأت وزیران برساند	تشکیل اداره نظارت بر مهد کودک‌های خانگی
ب- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است، در سقف منابع مربوط به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و سایر ردیف‌های مرتبط در قوانین بودجه سنواتی، در چارچوب آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت مذکور و پس از تأیید شورای عالی بیمه سلامت به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، ضمن تعیین جمعیت هدف، بسته خدمت و میزان پوشش بیمه، حمایت‌های لازم را از جمله در خصوص رو شهای علمی حفظ جنین و تخمک به عمل آورد.	حمایت از حفظ جنین و تخمک	

ماده	بند / متن حکم	اقدامات مورد تاکید (ریز مقوله‌ها)
	پ- ستاد ملی جمعیت مکلف است با همکاری دستگاه‌های ذربط اقدامات حمایتی لازم را جهت رشد سالم‌سالانه ازدواج و موالید، کاهش سالم‌سالانه سقط جنین و ناباروری، کاهش میانگین سن ازدواج، کاهش فاصله بین تولد فرزندان به ویژه تولد فرزند اول پس از ازدواج و مدیریت مهاجرت داخلی و خارجی به عمل آورد.	حمایت از ازدواج حمایت از باروری کاهش سقط جنین
۸۶	بند ت- با همکاری کمیته امداد امام خمینی ^(۳۶) و سازمان بهزیستی کشور، نسبت به ساماندهی زنان بی سرپرست، ایتم و معلول مهاجرین و اتباع بیگانه نیازمند از محل کمک‌های بین‌المللی و بشردوستانه با رعایت مقررات مربوطه به صورت متمرکز از طریق سامانه در اختیار کمیته امداد امام ^(۳۷) خمینی اقدام نماید. آیین‌نامه اجرایی این بند توسط وزارت کشور و با همکاری وزارت تعاون، و سازمان بهزیستی کشور ظرف مدت شش ماه ^(۳۸) کار و رفاه اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی پس از ابلاغ برنامه، تهیه و به تصویب هیأت وزیران میرسد.	تدوین آیین‌نامه اجرایی ساماندهی زنان بی سرپرست
مجموع اقدامات مورد تاکید		۱۹ مورد

جدول ۳: مقوله‌های اصلی مورد تاکید لایحه برنامه هفتم توسعه در حوزه زن و خانواده

اقدامات غیر اجرایی (تدوین یا اصلاح قانون، تدوین آیین‌نامه، آسیب‌شناسی و...)	اقداماتی که از جنس هدف هستند	اقدام و برنامه عملیاتی
۹ مورد از ۱۹ مورد (۴۷,۴ درصد)	۸ مورد از ۱۹ مورد (۴۲ درصد)	۲ مورد از ۱۹ مورد (۱۰,۵ درصد)
۱- تدوین آیین‌نامه اجرایی ساماندهی زنان بی سرپرست ۲- تدوین مقررات برای اشتغال زنان ۳- اصلاح برنامه کنترل و کاهش طلاق ۴- تدوین طرح توانمندسازی جامع زنان سرپرست خانوار ۵- سنجش وضعیت زن و خانواده ۶- روند نگاری ۷- شناسایی قوانین ۸- پیشنهاد اصلاح قوانین ۹- تشکیل اداره نظارت بر مهد کودک‌های خانگی	۱- حمایت از ازدواج ۲- حمایت از باروری ۳- کاهش سقط جنین ۴- حمایت از حفظ جنین و تخمک ۵- ترغیب به ازدواج ۶- نرخ باروری ۷- ارتقای توانمندی مهارت شغلی ۸- آموزش همسرگزینی	۱- سن بازنشستگی در مشاغل زیان آور ۲- سن بازنشستگی زنان

نمودار ۳- درصد اقدامات پیش‌بینی شده در حوزه زن و خانواده



■ اقدامات غیر اجرایی ■ اقداماتی که از جنس هدف هستند ■ اقدام و برنامه‌های عملیاتی

۷- جمع بندی و تحلیل نهایی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر اغلب ابعاد توسعه از بعد اجتماعی آن صراحتاً اشاره و تأکید شده است. با این وجود، کشور ایران همچنان از مسیر توسعه دور مانده است (رنجکش و مرادی، ۱۴۰۲). بسیاری از کشورها برنامه‌های میان مدت و بلندمدت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دقیقی را برای رسیدن به توسعه به اجرا درآورده‌اند که باعث پیشرفت آنها شده است. در کشور ما نیز تغییر ساختاری سریع پس از انقلاب اسلامی، یک ضرورت تلقی می‌شد. تغییر در سیاست‌های دولت، چگونگی رشد اقتصادی و توزیع آن، برابری در برخورداری از منافع اقتصادی، برقراری عدالت اجتماعی، تحول اساسی در ارزش‌های رایج جامعه و مشارکت مردم، در برنامه‌های توسعه‌ای به عنوان شرط‌های لازم رشد اقتصادی خودکفا، طرح گردید (زعفرانچی، ۱۳۸۵). وفق اصل ۲۰ قانون اساسی زن و مرد به طور یکسان در حمایت قانونی قرار می‌گیرند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند (عصمتی و همکاران، ۱۴۰۲). به همین دلیل، در ایران نیز تا کنون شش برنامه توسعه تدوین و تصویب و اجرا شده است و اکنون دولت طرح برنامه هفتم توسعه را به مجلس شورای اسلامی برای بررسی ارائه کرده است.

در راستای تحول اجتماعی در لایحه برنامه هفتم توسعه در مواد ۲۹ و ۸۶ و همچنین فصل ۱۶، مواد ۷۹ تا ۸۱، به بهبود جایگاه و منزلت زن و خانواده و رشد جمعیت پرداخته شده است. ضرورت پرداختن به این موضوع در یک فصل از لایحه توسعه کشور، نشان از مهم بودن نهاد خانواده است. محورهای مورد تأکید در برنامه‌های توسعه از ابتدای انقلاب تا کنون عبارتند از:

- برنامه اول: بالا بردن سطح سواد عمومی زنان، بالا بردن سطح سلامت و مخصوصاً سیاست تنظیم خانواده و کنترل رشد جمعیت مورد توجه قرار گرفت (بااوش، م. بااوش و حکیمی، ۱۳۹۵).
- برنامه دوم: اوقات فراغت بانوان، مشارکت بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی، گسترش تأمین اجتماعی برای زنان بی‌سرپرست و همانند برنامه توسعه اول، جمعیت و تنظیم خانواده.
- برنامه سوم: با راه‌اندازی نهادی به عنوان "مرکز امور مشارکت زنان" مقارن شد و در این برنامه دولتمردان به بحث مشارکت بیشتر زنان در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پرداختند (بااوش، م. بااوش و حکیمی، ۱۳۹۵).
- برنامه چهارم: عباراتی چون خشونت علیه زنان، عدالت جنسیتی، تبعیض جنسیتی، رفتارهای جنسی پرخطر، توانمندسازی اولویت پیدا کردند (احمدی؛ ۱۳۸۵: ۱۴۵) و مواردی چون تساوی دستمزدها برای زن و مرد مقابل کار هم‌ارزش، برابری فرصت‌ها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب (ماده ۱۰۱ برنامه چهارم توسعه) مطرح گردید.
- برنامه پنجم: برنامه‌های توانمندسازی و تأمین حق سرانه بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار نیازمند، افراد بی‌سرپرست و معلولان نیازمند و نیز تعریف کار خانه‌داری زنان و ایجاد مشوق‌های مالی لازم برای حمایت از فعالیت‌های خانه‌داری زنان ارائه شد. همچنین مفادی مبنی بر حمایت از اشتغال زنان سرپرست خانوار و زنان خانواده‌های زندانیان آورده شد. همچنین دستگاه‌ها موظف به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود شدند.
- در دو ماده ۲۸ و ۳۱ از آخرین برنامه توسعه تصویب شده و اجرا شده در کشور یعنی در برنامه ششم توسعه موضوع زن و خانواده آمده است که در آن به منظور تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن، کلیه دستگاه‌ها موظف به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود هستند.

ساختار خانوار جوامع معاصر در بسیاری از نقاط جهان متفاوت با آن چیزی است که چندین دهه پیش وجود داشت (صادقی و ترابی، ۱۴۰۲). در دو دهه گذشته، تغییرات عمیقی در الگوهای رفتار جمعیتی، تشکیل خانواده و ساختار خانواده مشاهده شده است (Bryceson & Vuorela, 2020) با نظر داشت به همین موضوع در برنامه هفتم فصلی مجزا به حوزه زن، خانواده و جمعیت اختصاص یافته است که از جمله نکات قوت در این حوزه محسوب می‌شود. با این حال گفتنی است با توجه به فزاینده بودن حوزه زنان و

خانواده مواد مرتبط با این حوزه صرفاً ذیل این فصل متمرکز نبوده و در سایر فصول نیز می‌توان ردپای احکام مرتبط با این حوزه را هرچند به صورت محدود ملاحظه کرد. بررسی احکام پیشنهادی در لایحه برنامه هفتم در حوزه زن و خانواده نشان می‌دهد اگر چه از منظر کمی و تعداد احکام، این لایحه نسبت به برنامه‌های قبلی تا حدودی از وضعیت مناسب تری برخوردار است اما همچنان به زنان هم‌تراز با گروه‌های آسیب پذیر نگاه شده و همچنین احکام اجرایی و قابل ارزیابی برای بهبود وضعیت اجتماعی زن و خانواده ارایه نشده است. از دیگر سو و به لحاظ موضوعی، این برنامه به محورهایی چون آسیب شناسی و اصلاح قوانین مرتبط با حمایت از خانواده و مشاوره خانواده، رصد و تحلیل وضعیت زنان و خانواده، اصلاح و تکمیل برنامه کنترل و کاهش طلاق، تهیه طرح توانمندی زنان سرپرست خانوار، تهیه مقررات و سازوکارهای اجرایی برنامه اشتغال بانوان، تهیه دستورالعمل تشکیل، اداره و نظارت بر مهدکودک‌های خانگی (مهدهای مادر-کودک)، تدوین حمایت‌های لازم در خصوص روش‌های علمی حفظ جنین و تخمک، تدوین اقدام‌های حمایتی در راستای افزایش ازدواج و موالید و کاهش سقط و ناباروری توسط ستاد ملی جمعیت، ساماندهی زنان بی سرپرست، ایتم و معلول مهاجران و اتباع بیگانه نیازمند از محل کمک‌های بین المللی و بشردوستانه پرداخته است.

در این لایحه همچنان ارتباط الگوی ایرانی-اسلامی با برای زن ایرانی خالی است. زنان و دختران ایرانی نیاز به هویت دارند زیرا با توجه به عصر دیجیتال و پیشرفت‌ها و تغییرات اتفاق افتاده در سبک زندگی‌ها و تفکرها، دیگر الگوی اول معرف زن سنتی و الگوی دوم معرف زن مدرن و فمینیستی جوابگوی زنان و دختران ایرانی نیستند. معرفی یک الگوی سوم اسلامی-ایرانی می‌تواند باعث بالارفتن تعداد ازدواج‌های موفق و همچنین تمایل به فرزندآوری شود. همین می‌تواند راه را برای استفاده ابزاری کردن از زنان و دختران ببندد. در این لایحه بحثی از بیمه زنان خانه دار و بهبود شرایط زنان خانه دار، کارآفرینی آنان، قوانین بازدارنده خشونت‌های خانگی علیه زنان نشده است. حال آن که مادر نقش اساسی در ثبات خانواده دارد و اگر مادر در خانه احساس امنیت و آرامش داشته باشد به تبع آن فرزندان، همسر و حتی جامعه آرامش بیشتری را خواهند داشت.

در نهایت باید بر این مهم تاکید داشت که به طور کلی در تدوین برنامه‌های توسعه، نیازمند ارایه برنامه‌های عملیاتی و قابل ارزیابی و پایش هستیم. این مهم حداقل در بخش مربوط به زن و خانواده لایحه برنامه هفتم توسعه به نحو مطلوب لحاظ نشده است. ارزیابی کلی احکام پیشنهادی در حوزه زن، خانواده از فقدان جامعیت در مسئله شناسی، عدم انطباق با سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه، فقدان اجماع گفتمانی در حوزه زنان و خانواده و مسائل پیرامون آن و عدم ارائه راهبرد مشخص در برنامه جهت رفع این مسئله، کلی گویی و موکول نمودن امور به تدوین شیوه نامه و انجام مطالعه و...، عدم توجه به تمامی نهادها و دستگاه‌های فعال در حوزه زنان و خانواده حکایت دارد.

منابع:

۱. افراخته، حسن و سرایی، سودابه (۱۳۹۲)، جایگاه زنان در برنامه توسعه چهارم و پنجم جمهوری اسلامی ایران.
۲. بااوش، مهین؛ بااوش، معصومه؛ حکیمی، فریبا (۱۳۹۵)، مروری بر جایگاه زنان و خانواده در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، همایش بین المللی زنان و زندگی شهری.
۳. برنامه اول تا ششم توسعه، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۴. برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق.
۵. حسن زاده، محمد؛ فرهنگ، امیرعلی؛ محمدپور، علی (۱۴۰۰) اثر سالخوردگی جمعیت بر رشد اقتصادی (مطالعه کشورهای عضو مناب)، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال ۱۶، شماره ۳۱: ۲۱۷-۲۴۸.
۶. حیدری، فریبا (۱۳۹۷) نقش و مشارکت زنان در توسعه پایدار، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال سوم، بهار ۹۷.
۷. رنجکش سیاهکل، الهه؛ مرادی، صادق (۱۴۰۲) بررسی عناصر اصلی و ارائه الگو در راستای توسعه اجتماعی با بهره‌گیری از قانون

- اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تحقیقات نوین میانرشت‌های حقوق، دوره ۳، شماره ۲، صص: ۳۲-۵۰.
۸. زعفرانچی، لیلیاسادات (۱۳۸۵). زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۹(۳۳)، ۹۸-۱۲۹.
۹. سرحدی، نرگس و سرحدی، کاظم (۱۳۹۵). جایگاه زن و خانواده در لایحه برنامه ششم توسعه، همایش ملی نقش زنان در توسعه پایدار، اهر.
۱۰. سمواتی، زهرا، سطوتی، جعفر، و زرنگ، محمد. (۱۳۹۵). تحلیلی بر جایگاه زن و خانواده در برنامه‌های توسعه‌ای در اسناد فرادستی نظام. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۸(۲) (مسلسل ۳۰)، ۴۹-۶۸.
۱۱. سیاست‌های کلی برنامه هفتم (۱۴۰۲).
۱۲. صادقی فسایی، سهیلا؛ خادمی، عاطفه (۱۳۹۵) فراتحلیل چهار دهه پژوهش در حوزه مشارکت زنان، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان - شماره ۴۷.
۱۳. علاسوند، فریا (۱۴۰۲) ضرورت‌های نظری و عملی درباره عدالت: عدالت و زنان، زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۱، شماره ۳
۱۴. عصمتی، زینب؛ حسینی، سیده لطفه؛ حسینمردی، محمد مهدی (۱۴۰۲) جایگاه حقوق رفاهی زنان در چتر حمایتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تأمین اجتماعی به مثابه حق بشری، زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۱، شماره ۳
۱۵. فرح زاده، مازیار؛ علی حسینی، علی (۱۴۰۲) نقش زنان در سیاستگذاری و تصمیمگیری در پارلمانهای ملی و منطقهای اروپا، زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۱، شماره ۳
۱۶. کرامت، رویا؛ عباسی، رسول؛ فلاح، محمدرضا (۱۴۰۱) رانۀ چارچوبی برای ورود زنان به حوزه کسب و کارهای خانوادگی، زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۰، شماره ۱: ۸۷-۱۰۸.
۱۷. کلهر، صابر؛ محمدیان، فرشاد (۱۴۰۱) بررسی رابطه بین دسترسی مالی با توانمندسازی اقتصادی زنان در کشورهای خاورمیانه، زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۱، شماره ۲، ۱۶۵-۱۸۲
۱۸. لایحه برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۲)، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور،
۱۹. محمدی، حامد؛ نوابخش، مهرداد؛ مهدوی، محمد صادق، (۱۴۰۱) شناسایی مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق (مطالعه موردی جوانان درآستانه ازدواج شهر تهران)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهاردهم/ شماره دوم.
۲۰. محمدی دوست، سلیمان، زعیمی، حمیده، و محمدی دوست، اسکندر. (۱۳۹۵). بررسی نقش و جایگاه زنان در توسعه پایدار. همایش ملی توسعه پایدار.
۲۱. نوابخش، مهرداد؛ خدابخش، رضا؛ کلدی، علیرضا؛ سوادیان، پروین؛ (۱۴۰۲) تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر تحقق برنامه‌های پنجساله ششم توسعه در حوزه نهاد خانواده، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پانزدهم، شماره سوم.
۲۲. واعظی، هدی السادات؛ علی حسینی، علی (۱۴۰۲) تحلیل وضعیت حضور زنان در مناصب سیاسی در جهان معاصر و ایران (از دهه سوم قرن بیستویکم) زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۱، شماره ۱: ۱۶۵-۱۹۰
23. Alesina, A., & Giuliano, P. (2010). The power of the family. *Journal of Economic growth*, 15, 93-125.
24. Bryceson, D. F., & Vuorela, U. (2020). Transnational families in the twentyfirst century. In *The transnational family* (pp. 3-30). Routledge.
25. Jaquette, J. (1982). Woman and modernization theory: a decade of feminist criticism, *World Politics* XXXIV (2)
26. Michael, K. (2020). Women and Development: 28 February 2020
27. Lorenza, D. G. (2022). The Role of Women's Participation in Development: Empirical Evidence from Indonesia. *Journal of Economics Research and Social Sciences*, 6(2), 124-130.
28. Mojumder, M. (2020). The Role of Women in The Development of Society. *Journal of Critical Reviews*, 7(2), 1025-1029.
29. World Development Report 2021: Data for better lives, World Bank Group, February 2021